

طوفان

تهران : خیابان لاله زار - شماره تلفون ۱۷۷

صد باقیات روزنامه

عنوان تلگرافی طوفان

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود

قیمت اشتراک

داخله : سالانه - ۸۰ تومان - عن ماهه - ۴۵ تومان
در ولایات بخلاف اجرت پست
خارج : سالانه - ۱۰۰ تومان - عن ماهه - ۵۰ تومان

تک نفره ۸ شاهی

قیمت اعلانات

صفحه ۱ سطر ۳ قران
صفحه ۲ و ۳ سطر ۲ قران
صفحه ۴ سطر ۱ قران

روزنامه نویسی

در ایران خیلی متبدل شده است برخلاف تمام دنیا در محیط ما قزو اعتباری ندارد هیچکس دیگر پروژنامه و پروژ نامه نویس اهمیت نمیدهد این رکن اعظم مشروطیت و این تنها وسیله نشر علم و ادب بقدری در جامعه موهون و نزد همه آس حقی خاقین بوطن و مملکت خفت و پست شده است که تصور آن هر فکر سلیم را تکان میدهد روزنامه های ما وسیله شهورت رانی و بوالهوسی هر متنفذ معمولی گردیده بلکه بطور کلی وسیله اجرای مقاصد شوم متولیان آن آبرو و حیثیت شده است وقتی که سیخ از منزل بیرون می آید و صدای روزنامه فروش را که اسامی درختانی از جراید برای شما پشت سرهم قطار میکنند می شنوید با برخلاف نمایل ذلیلی پروژنامه فروش نزدیک شده و یک نمره از روزنامه که اتفاقا باذوق و سلیقه شما مطابقت کرده خریداری میکنید

در این اوراق عریض و طویل چه می خوانید؟ وقتیکه از تاریخ انتشار تا امضاء مطبوعه را مراجعه میکنید چه چیز بر معلومات شما افزوده میشود؟ شما که روز قیل هم یا آریه کردن چند روزنامه پدیدینار همین عنوان بر چه جسته را از قیبل (جایه وزراء) و (تشکیل کمیسیون) خوانده بودید این چه قوم بود که امروز مجددا شما را محرک شده و وادار کرد که یک روز نامه بخردید؟

همین وسیله دلیل احتیاج شما به اطلاع از جریان امور است همینکه زندگانی شما پخته و مقید بزندگانی دیگران شد و وقتیکه حیات و حرکت شما خادک از حرکت اجتماعی و مربوط بمسائل عمومی شد شما ناچارید که از طرف زندگانی هیئت اجتماعی از رفتار ایشان مستحضر باشید و باین مقدمه استدلالی تا تریز هستید که از جریان امور وسیله اطلاعی در دست داشته باشید

آیا غیر از روزنامه واسطه دیگر هم پیدا میکنید

زبانی

ای خامه راست رو حقیقت جو باش با خوردن خون دل حقیقت کو باش کر سر پیرفتت ز حقیقت سوئی با دشمن دوست یگدلو بگرو باش

آیا رفتاری ما بیشتر از مداحان عصر سلاطین استبدادی و پادشاهان قبل سوار ملق و چاپلوسی نمی نمایند؟ چرا باید روز نامه نویسهای این شهر از توقیف جراید دیگر که ملما برای ایشان انتقاعی ندارد تلبا مرور و خوشحال باشند؟

چرا باید در ایران جراید مانند نویسنده ناسخ الواریخ که وقتی هنده شهر ایران را نازه روسها مسخر میکردند در صدر ستاب مینوشت (شرح جهانگیری فتحه لیشاه) اینقدر مداعنه سو و مدیحه سرا معرفی میشوند؟

آیا اینها زیاده از هر سنف و طبقه دشمن و خصم جان یگدیگر نیستند؟ مگر نمی بینیم که هم مسالکان ما وقتیکه دستشان از همه جا کوتاه میشود همیشه دیگر مبارز و معاندی

در مقابل خود نمی بینند بدون چسبه با هر گونه نعت و ناسزا یا کلمات تپش دار بهم کاران خود می نازند این بدیختهها و بوالهوسیهایی بی مزه بیشتر آبرو و حیثیت مطبوعات صدمه میزند

ما قلمگویی همکاران محترم ما در مسائل سیاسی و حدت نظر داشته و یا در موضوع اشخاص دارای یک عقیده باشند زیرا این مسئله در هیچ جای دنیا سابقه نداشته و ممکن نمی شود اما مخالفت و نیاین عقیده ربطی بفض و همت ندارد

اگر ما طالب عظمت و اقتدار مطبوعات باشیم - اگر ما بخواهیم دیگران بلاجیار برای ما وزن و اعتباری قائل شوند باید نوشتهجات و مندرجات جراید خود را تنگی بر اسناد و براهین کافی و روشن نموده و در مرحله نخست خود ما روزنامه را وزن و باقیقت بستانیم یکی را که امروز تنقید می کنیم

فردا از او تمجید نمائیم دیگری را که امروز تمجید نموده و غرق او را بفرودان می ستائیم بخواهیم که آبر فردا بدیختی یا آبرود یا او چه معامله خواهیم کرد این بود راز و نیاز و درود حال ما یا همکاران محترم خود :

خلاف قانون

در هنگامیکه اغلب جراید پایتخت نسبت بکابینه حاضره اظهار خوشبینی کرده و هیئت دولت کنونی را مقتدرانه اجرا کنند قوانین مشروطیت می دانند و مخصوصا باینکه منابع اختیار خارجه از قیبل آژانس روتر و بی سهم مسکو حکومت امروزی را ملی معرفی مینمایند ما نمی خواهیم بر علیه امام این افکار عمومی و خصوصی صحیح یا سقیم عرض وجود نموده و یا مانع دیگران پهباشی فضا بای آنبه راقضات کنیم بلکه ما مصمم هستیم مثل همیشه بای بند احساسات و احتمالات ظاهری نشده و چنانکه وظیفه جریده نگاری حکم میکنند ببطرفانه قدم بقدما اقدامات هیئت دولت را نظارت و خوب باید آفرا شهادت دهیم ولی در اولین مرحله عمل چنانکه مشاهده میشود بلاخص در زمان وزارت حضرت اقدس والا شاهزاده سامان میرزا که خود را یگانه مصلح هارف می شمردند خلاف قانون طائی آزادی مطبوعات را تهدید و مطابق اطلاعات اخیره شما در حین طبع جراید از طرف اداره نظمه شماره اول هر روزنامه برای کنترل و ممیزی برده میشود و این رویه برای دولتی که اولین ماده پرگرام خود را اجرای قانون قرار داده محققا خوش نما نموده و انعکاس خوبی نخواهد داشت

ما هنوز قمیذاتیم دولت جدید عملا چه اصولی را تعقیب و دیباجه مرام خود قرارداد است حکومت زور یا اجرای قانون! اگر علنا و آشکارا بیا بگویند که روزنامه نویسی را ترک گوئیم ما اطمینان میدهیم که بدون هیچ استقامت منفی و نگرانی نوب قلم را شکسته و عجانا تماشاچی بشویم و آس این حکومت چنانکه بتمام دنیا معرفی گردیده برای اجرای قانون تشکیل شده است سانسور مطبوعات معنی ندارد فقط ما با فشار و تهدیداتی که بخواهد قانونی جلوه نماید مخالفت و اینگونه قانون شکنیهایی حق نما است که مارا بتنقید از هر حکومتی نا تریز و مجبور نموده و مینماید

انقلاب کمپرسی سمیه

نویسه و علاقه مندی مفرط قارقین محترم به پاورقی گذشته طوفان و شرح احوال نادر شاه افشار موجب تشویق و سیاستداری کارکنان طوفان واقع شده و مارا تا تریز نموده است که برای تهیه پاورقی های تاریخی و اخلاقی از هیچگونه پندل مساعی مضایقه نمائیم این قسمت که از شماره امروز در ذیل صفحه ۲ و ۳ روزنامه طوفان قرائت مینمائید تاریخ جامع و بدون آرایش انقلاب کمپرس روسیه است که از مشهورات و معاینات مولف فرانسوی (کلود آنه) ترجمه شده است عزیت این تاریخ بر سایر نوشتههایی که در این موضوع تدوین شده است دو مسئله است

اول اینکه مؤلف مزبور تمام حشو و زوائد خسته کننده را از بانیف خود برداشته و فقط بذکر وقایع یومیه انقلاب از ابتدای شروع قحطی و کرسنگی در روسیه تا برقراری رژیم کنونی قناعت نموده است مسئله دوم که رجحان این تاریخ را محرز می کند نظارت و شهادت شخص مؤلف در اغلب روز های انقلاب روسیه و بدون هیچ شاخ و برگ این کتاب مشهورات يك نفر فرانسوی می باشد که در روسیه اقامت داشته است این کتاب گذشته از پاورقی طوفان جداگانه طبع و بنام سلسله انتشارات طوفان تدوین خواهد شد

نگاره که باید فراموش نشود اینست که مؤلف بزبور چنانکه در مقدمه مینویسد در عین بهطریق برعینی احساسات وطن پرستانه خود بعضی مواقع تحریرات خود را با خشونت و تنقید رنگ آمیزی نموده و باینکه انعکاس انقلاب روسیه را در میدان جنگ تذکر شده است از همین اندازه اعمال احساسات هم غلو و اغماض می طلبد و ما فقط از نقطه نظر اهمیت این نوشته به درج آن عبادرت نمودیم

اخبار داخله

وزارت مالیه و مدافعان و رئیس کل مالیهات طهران بودند شب دوشنبه غفلتا بمرض سنگینه دارفانی را وداع گفته بر حمت ایزدی بیوست امروز مجلس ختم در منزل فقید مزبور منعقد است.

انقلاب اوقاف

وزیر علوم و معارف اصبهیم نموده است که اداره کل اوقاف را تشکیل نماید قسمت عشریه و عواید اوقاف را تسلیم اداره مالیه و محاکمات مالیه و اوقافی را احاله به عدلیه نمایند.

تشریفات وود

بموجب خبری که نلگرافا از همدان رسیده است برای تشریف فرمایان عالی حضرت همایونی و آقای رئیس الوزراء از طرف تمام طبقات مشغول بتمن طاق نصرت و تزیین خط عبور موکب می باشند در این دوسه روزه باران فصلی باریده و هوا را سرد کرده بوجهی اطراف را برف گرفته است.

تنبیه استخراج آراء تا امروز غروب بقرار ذیل است فقط دوسندوق از بلوکات مانده است که این دو سه روزه خواهد رسید.

آقای وزیر جنگ	۱۷۳۵۵
شهاب الدوله	۸۴۴۲
حاجی میرزا عبدالوهاب	۷۴۳۷
طباطبائی همدانی	۳۴۲۱
مخبر حضور	۱۱۷۰
شهید زاده	۷۱۷

قرار از تحت نظر

خبر واصله از استرآباد حاکی است که دیشب مهندسان ارامدانی معروف و پسرش و امیرتبار که چندی قبل توفیق شده و اخیرا با دادن ضامن مرخصی شده

موتکب همایونی

شب دوشنبه در قزوین باغ سردار ملحم استراحت فرموده صبح از آنجا بطرف همدان عزیمت فرمودند شب گذشته نیز در همدان توقف و امروز هازم گرامشاه خواهند شد.

ورود پسر گل

بموجب خبری که نلگرافا رسیده است آقای حاجی عزالملك وزیر و اولاد عامه روز گذشته از دامغان عبور نموده فردا ورود بمرکز خواهند نمود.

منبع از حرکت

بموجب اطلاعیه که بهار رسیده شاهزاده کامران میرزا مصمم بوده است که در موکب اعلیحضرت همایونی با رویا عزیمت نماید آقای منفره که در تهیه نظامات خود معزی اله را محکوم نموده بود مراتب را بمحکمه اطلاع داده و محکمه از حرکت معزی اله جلوگیری نموده است که تا حکم صادره کاملاً بجزئی نشود کامران میرزا نیز مجاز برای مسافرت نخواهد بود.

حضور در وزارتخانه

آقایان وزراء روز گذشته در وزارتخانههای خودشان حضور بهم رسانیده مشغول مراجعه بامورات جاری بودند.

اعطیل جلسه وزرا

جلسه هیئت وزرا ناموقع مراجعت آقای رئیس الوزراء اعطیل آقایان وزراء سه روزه در وزارتخانهها مشغول تسویه امورات خواهند بود.

آقای میرزا سید عبد الله خان معروف بخزانه که از رؤسای درجه اول

ولی تحت نظر بوده و حق خروج از شهر را نداشته اند فرار کرده و تویا بواسطه سخت گیری که بانها شده فرار کرده اند.

زلزله، انفجارات

از فرمان اطلاع میدهند انبث برقرار و عدم اهالی از تشکیل کابینه جدید خوشوقت و امیدوارند هوای زمان اغلب منقلب و زلزله های خفیف میشود در طرف لامه زار سردسیر که ببلایق است بیشتر اوقات زلزله میشود و محتمل است که مجاور آتش فشانی نماید باین ملاحظه قریب هزار نفر رعایا در هوای سرد از ترس خسارات مالی و جانی متواری و متجاوز از دویست نفر از آنها تاکنون از سرما تلف شده اند.

ورود گشتی اصفهان

خبر واصله از انزلی حاکی است که دیشب جشن با شکوهی آقای باور محمدخان سفاری در اداره قشونی منعقد کرده از عموم پذیرائی نمود.

پراخود موسوم به اسفهان از هامبورگ وارد شده و معمولاتش قند و شکر بوده است.

حرکت به پوشهر

از شیراز اطلاع میدهند که آقای سرایب فضل الله خان رئیس قشون فارس برای سرگشی بامور لشکری چند روز است بطرف پوشهر حرکت کرده در شب ایشان سرهنگ سید الله خان کهنال قشونی را عهده دار میباشند.

تنبیه اختلاف دخالت مالیه

در موضوع اختلاف بین شرعاع السلطنه و حضرة السلطنه راجع بقریه لائتری برآز جان و نواب اداره مالیه اصبهیم گرفت که خودش دخالت نماید بر حسب شیوهی سابق ایالت آنست.

الملك مامور برآز جان گردیده و عزیمت نمود که صورت جزء حوزه مالیهات پده مذکور را تعیین نموده مراجعت نماید.

بلوک خذل ضمیمه حکومت سروسنجان و کوار گردید

انتخاب نماینده کان پادیه

از طرف انجمن نظارت بلدییه اعلیای طبع و منتشر شد که انجمن بلدی برای انتخاب شش نفر نمایندگان دوره سوم بلدییه شیراز تشکیل از سه شنبه ۲۶ ربیع الاول الی پنجشنبه ششم ربیع الثانی یومیه از چهار بقرب الی غروب در مسجد و کپل برای دادن امریه دایر و فقط جمعه هفتم ربیع الثانی از اول اقتساب الی غروب اوراق حرفه رفته خواهد شد.

خرابی سیم نلگرافا

از ملازم اطلاع میدهند که از بارندگی زیاد غالب سیمهای نلگرافا خراب شده دوروز است سیم خط عراق دایر نشده.

این بارنده کی چنانچه بحال زارع مقید است بحال سابقین از جهت جریان سهل معسر و هر شب که متوالیا باران میبارد اهالی عموماً ناسیمخ برای جلوگیری از سهل در زحمت هستند منجمه دیشب اسدالله نامی بچاه افتاده ولی تلف نگردید.

تلفات از نوبه

بموجب اطلاعی که از جنابان رسیده است مرض لب و نوبه شیوع دارد اغلب

اطفال هم گرفتار آبله شده از فقدان حکیم ودوا تلف میشوند.

تحقیق مرض شارین

اطلاع واصله از آمل حاکی است که مرض شارین دو روز است تخفیف گای یافته دکتر نصرت الله خان که جدیداً از طرف صحبه وارد شده است خدمات شایانی نموده و به پیچوجه از جاوگیری خودداری نمیشناید.

اختلاف ریاست نظمیه

از دامغان اطلاع میدهند که دو روز قبل غلامرضا خان آسیران از طرف اداره نظمیه سمنان بدامغان آمده و حسب الحکم رئیس نظمیه مذکور مامور تحویل گرفتن نظمیه دامغان از اسعد الممالک بود که به حسن خان تحویل بدهد نظر اینکه اسعد الممالک از وزارت داخله حکم نلگرافی مبنی بر ایتالی خود در دست داشت از تحویل دادن استنکاف نمود لذا امروز صبح در اداره حکومتی مجلسی از رؤسای دوائر دولتی سمنان تشکیل و پس از مذاکرات لازمه قرار شد که اسعد الممالک و حسنخان هیچ کدام در نظمیه دخالت نمایند موقتا اداره تحت کفالت غلامرضا خان مامور باشد حکومت از وزارت داخله کتب تکلیف نموده آنچه دستور دادند طرفین اطاعت کنند.

انعقاد جشن

خبر واصله از استرآباد حاکی است دیروز اداره قشونی جشنی باوقار ریاست وزراء گرفته از عموم رؤسای

انقلاب کبیر روسیه

این کتاب سطورری است که در روزهای است انگیز شورش روسیه جمع آوری شده و برای طبع اخیراً بهرانه ارسال شده است این رساله ذکر وقایع بزرگ روسیه است که منافع بشر در طی آن بهر میزان سنجش و تمایزی نگذارده میشود.

نویسنده این کتاب در نظر و کردار ناظر هر یک از گذارشات آن بوده و هر چه در این کتاب مطالعه شود از مشهورات است و بلوچود اینکه از مطالعات و نظریات شخصی حتی المعتبر استنباط نموده ام معذک نتوانسته ام در بعضی موارد از قلم برخی نتایج و عواقب آن خودداری نمایم و نتیجه اقدامات شورایی کارگران و سربازان را مشاهده نمودم تاکنون شدم که عواقب آنرا برای مملکت و قشون پیش بینی نمایم باوجود این گمان نمیکنم انسان محتاج شود که با نظر دقیق نتایج حاصله از این نهضت مشهور را بقیه را بیاندازد چنانکه عمل معروف میگردد « از پشت یاد طوفان حاصل میشود ».

نویسنده در این ساعت که به تحریر دیباچه مشغول میباشم حوادث دیگری از قبیل نیزه قشون سالدوست دادان فالپسی - بوئین - و حالته تهدید روسانی بوقوع پیوسته و همین جریانها بر همان سادستی است که من این نوشتهجات را در ظرف سه چهار ماه تهیه دیده ام.

اینک باید اقرار کرد که نویسنده نمیتوانست یک ناظر و بطرف شورش روسیه واقع شود بلکه این پرده محرمانه قشونی که روسیه در معرض نمایش آنست بالاخره ما را هم بمرکه دعوت خواهد نمود زیرا مملکت فرانسه فقط بواسطه روسیه بود که در جنگی که شیراز را اروپا را غنای نمود داخل سردید و با اینحال چطور میتوان در مقابل چنین حوادثی که بضرر ما اعدا قوای حریبه میدان جنگ را از بین برد به چشم بیطرفی نگریست.

نویسنده با تمام صداقت و بیابکمالیت بوقت آوری ناظر این صحنه خرن انگیز بودم و از دوستان انقلابی روسیه خود متمنی هستم که بواسطه اینک در طی صدمه و وسعت از انقلاب بالحن حکومت آسیران تحریر بخانه بیستم عضو و دانشمندان بنگرند.

زیرا در همان حین که آریا در سایه احسانات ملی برای وائز گون کردن ارتزیم حضور رسانیدند در فکر انقلاب بودند نویسنده هم در فکر میدان جنگ بود.

« کلود آنه »

Gloude Anné

مقدمت بلوا در قشون و پایتخت

بمناسبت اختلال امور حمل و نقل ذقال سنک بقدر کمالات شهر انیسپد باین واسطه کار - خانههایی که برای دفاع مملکت مشغول کار بودند باینکلی تعطیل و یا از مقدار صادراتشان کاسته شده و در نتیجه کار آنها بی کار شدند.

آرد هم وارد نمیشد و بطوری اوضاع معیشت سخت گشته بود که هر کسی برای بدست آوردن دو قرص نان از سقیده صبح ناظر درب دکان فانوائی معطل می ماند - جمعیت انبوه خریداران نان کم زیاد شده اول کمی قبیل و قال سپس قریادهای اعتراض و تشدد و چپق و داد زنها که از سرما می لرزیدند باجه های بیحال از گرسنگی مردم را پیشقت می آورد.

در همین ایام بواسطه عقب نشینی های قشون روسیه و پیشرفت آلمانیها در مجلس ملی بیشتر صحبت و مذاکرات راجع بامور نظامی بود و جمعیت متمسکین از حد و میزان معمولی تجاوز میکرد - یکسری از و کلا برای اولین دانه علنا قریاد کرد : « اوضاع خوب نیست وزراء آبر از کار عاجزند تشریف ببرند » یکسری دیگر از و کلا سوسپالیست حرکت کرده اظهار داشت : « در فرانسه هنگام انقلاب سلاطین را جلازود نموده اخراج کردند ما چرا معطلیم ! »

« گرسنگی » که یکی از سوسپالیست های انقلابی بود با حرارت زیاد زبان بتمسید حکومت کشوده از انبلی اوبالیای امور نکایت میگردد و قاضی داشت که اقدامات عاجلی برای رفع بحران فراهم نمایند از طایب وزراء بیکلی خالی بود.

هر چه کدام در مجلس حاضر نمیشدند مخصوصاً وقتیکه میدانستند قضیه سؤال یا استیضاحی دروین است دروی همرفته حکومت وقت باینک حقیر مخصوصی یا اصلاً بیارلمان حاضر نمیشد یا اگر بمجلس می آمد بسوالات و کلا جواب نمیداد.

بعد از ظهر روز ۲۷ فوریه ۱۹۱۷ بلوچودیک هوا نسبتاً خفلی سرد بود مقدمتا بیجان در شهر تولید شده تمام خیابانهای شهر معلول از جمعیت های مختلف نمائاتی و جاسوسهای خارجی و صله طایب بی کار بویی نان بود دستجات آزارق نیزه دار با کلاه های پشم آلود دهنه اسبها را گرفته میداده دروی براف تولید ترس و تهنیف همچنان مردم برآه میروند جمعیت مردم هم بانها اعتنایی ننکرده هر نیلای بیکردش در کوه حط مشغول بودند.

و اگر کونتهای شهری تقریباً از حرکت افتاده و مطلق این بود که هیچ دریده نمیشدند دلیلش هم این بود که مردم بانها هجوم آورده از حرکت منع بود در صورت مخالفت در بونجره های آنها را خورده میگردد علاوه بر اینها گاهی شنبه میداد که در ناحیه عمالجات و محلات گل بران پاره نمایند با داده میشوند.

ادارات دولتی و علماء و اعیان و غیره دعوت نموده بهداز صرف شربت و شیرینی افراد نظامی مشق ورزش و جنگ سر نیزه نموده حضار را مسرور کردند پس یکنفر از صاحبمنصبان و آقا سید محمد علی شوشتری فطاح منضلی را جم پندارهای آقای رئیس الوزرا و تنظیم قشون ایراد نمودند

چراغان در معابر از پاره پاره شدن اطلاع میدهند که شب گذشته در قرائت خانه ملی با حضور حکومت و روسای ادارات و علماء و نجار و شاگردان مدارس خطاه منضلی خوانده شده در معابر نیز چراغان منضلی نموده مردم در معابر سرود میخواندند

مکراتفای خصوصی

از مجلات ۸ عرق مقام منجم وزارت جنبه داخله دامت عظمته کیه طوفان کیه کلشن از مهران اوجهای نامه اولیای معظم امور دامت ناظیدانهم انتخبات کمره و مجلات مطابق قانون جاری تمام و با کثرت نامه حضرت والا شاهزاده امیر حتمت مقام نمایندگی را دارا و با اطلاع کامل بمکارم اخلاق و امینتالی را که کرارا داده اند عموم دعاگویان از انتخاب ایشان متشکر و موقفت معظم له را برای سبانت حقوق اهالی و حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت از خداوند متعالی مسئلت مینمایم دعاگویان علمای مجلات - امام جمعه مجلات - شمس الدین - موسی

اقل قوام الدین از خوار ۱۲ عرق مقام منجم ریاست وزراء عظام کیه وزارت داخله اولت طهران آقای بزدی - طوفان - وطن - ایران انکراف شکایت آمیزی در شماره ۸ وطن ملاحظه متاسفانه حاکی از نهمت آنتریک بحکومت خوار در امر انتخبات بود انکراف مزبور ناشی از غرضای دو سه نفر مفسد معلوم الحال است موجب حیرت و لاجر اهالی گردیده عموما این الهامات را نکذیب با کمال رضایت از سلامتی نفس و بیطرفی مدبر المملکت استدعای عاجزانه دارم بکنفر منضلی امین اعزام بهداز رسیدگی جدا مجازات و مرخصین را خواستاریم و الا این اقدامات بی رویه منجر به زحمت رعایا و دولت خواهد بود

صدرالشریعه - نجارخانه بنماقیان نجارخانه خالد آبادی - محمد باقر ناجر - آقا سلیمان خان - محمد اسمعیل شایب نجارخانه طهرانی - آقا حسن ناجر شرکاء - عباس ناجر - مشهدی ابوالقاسم - ناجر - بد الله کاسب - ابراهیم ناجر - آقا میرزا - میرزا خان قربانعلی - حسین - مشهدی بدالله آقا میرزا احمد - آقا کوجک بیک فرج الله بیک - آقا سیدعلی - میرزا علی آخیر خان - آقا میرزا علی ایل بیک - آقا ولی الله - حاجی قی مشهدی علم محمد - مشهدی غلامرضا حاجی سید حسن - ارباب فتح الله میرزا محمد خان - آقا ناصر الله - مرضیقلی

سوکاری

نظر بقوت روح معنوی آقا میرزا سید عبد الله خان معروف به بانکی رئیس اسبق مالیات طهران تا قبل از ظهر امروز در منزل آن مرحوم واقعه در خیابان بلور سازی مجلس ترحیم منعقد است (نمره ۹۱)

اخطار

عباهای ناظینی همه رقم ممتاز و شالهای خلخالی برای پانز و غیره بتازگی وارد و بقبمت مناسب بفروش میرسد طالبین برای حاجی زمان در صحن حجره طبیبان رجوع نمایند (نمره ۹۰)

اعلان

ایشان حرت انکیز طایمت شخصی است از اهالی طهران در سن یکصد و سه ساله کی و دارای سه نفر اولاد ذکور که جوان ترین آنها پنجاه و یک سال دارد شخص فوق علاوه بر اینکه از حیث پنبه و استحکام بدن از پسرهای خود و جوانان سی و پنج ساله قوی تر است نمایشات زور آزمای هم در کمال جابگی و خوبی میدهد طالبین می توانند همه شب این معجزه طبیعت را در کافه لوکس به رای العین مشاهده فرمایند (نمره اعلان ۸۹)

اخبار روت

لندن - بطور نیم رسمی خبر رسیده است که دولت بریطانها بدول فرانسه و پاریک اطلاع داده که دولت مشارالیها حکومت جمهوری (رن) را

نحت ریاست (درین) و (مانس) به رسمیت نشناخته و با هرگونه هنجانی از طرف سرانپت-ها مخالف خواهد بود نظر بحیایت و نشویقی که از طرف قوای بلویک از اسیرانپت ها بعمل آمده وضعیات خیلی سخت بنظر می آید اوضاع (ساگنی) بحرانی در کابینه (استرمان) ایجاد نموده سه نفر از افراد سوپالپت کابینه تصمیم خود را مبنی بر کناره گیری اعلام داشته اند لکن بموجب تقاضای حزب مذکور نا موقع انعقاد کنفرانس حزبی در ظرف فردا از تقدیم استعفا خودداری کردند

زلزله لندن - در (مانلا) زلزله سختی واقع شد سرایت هچان مصادر فرانسوی مقیم (تیلنز) اطلاع میدهند که نهفت (اسپاراپتت ها) به چندین ناحیه در (هش) از قبیل (روس) (آران) و (دنیکن) سرایت کرده است در کنفرانس امپراطوری لندن - در موقع افتتاح کنفرانس امپراطوری (سپرو) تشکر و امتنان زیادی از مساعدت هائی که (پیل) به اشارالیه کرده بود ابراز نمود (سپرو) اظهارداشت که (پیل) نه فقط بهمت نمایندگی از طرف دولت متبوعه خود بلکه از طرف نمایندگان سایر قطعات ممالک امپراطوری نیز دفاع نمود

شبه ۲۵ فوریه تنوع حکومت بقدری که در جراید احاطه داشت مردم اثری نمیتواند زیر را در هیچ روزنامه راجح بواقعات اخیر چیزی بدست تمامد فقط در سرزبانها دو سوال بیشتر نبود - آیا این اتفاقات اعتصاب رنگی است یا فی الحقیقه مقدمات انقلاب میباشد ؟ تمام قسمتهای شهر معشوش نبود فقط در محله های کاروان زن و مرد با کمال خون سردی در سرمای شدید آرام در گردش و حرکت بودند . نزدیک عصر روز بعد محاضره که از طرف ژاندارنها در اطراف پلها شده بود پرداخته شد و مردم در حرکت آزاره شدند ولی در عوض قوای معوی در جلوخان عمارت های مهم شهر از قبیل قصر زمستانی و قصر امپراطوری و بلدیة نمرکر یافت دستجات مزبور تمام مسلح و مستعد زدوخورد بودند دستجات قتل مزبور هر چند هم که کوچک بوده هر تمام دارای سه صاحب منصب خشن با قیافه گرفته بودند که معلوم میشد حالت و وضع معمولی نیست و بیبیتی قاعدتا خیری باشند ژاندارها ها هم کم مثل پلایها از هچان افتاده و از نمایشات عملها و کارگران جلوتری نمیگردد این مرتبه دستجات کارگر بداشتن بیرق سرخ قناعت نگردند که گاهی فریاد میکردند : مردم باد حکومت ! و بعضی هاهم که شاید جزومسبین این بساط بودند از میان آنها فریاد میزدند مردم باد جنگ ! یکنده دیگر جمعی از زنها جلوی قزاقهارا گرفته گفتند ما کرسنه ایم ما قاف میخوانیم آیا شما برای آشتن ما کرسنگان حاضرید ؟

باری اوضاع خوب نبود هر لحظه انتظار جنجال وزدوخوردی میرفت انکرافات حتی برای خارج و مخیرین جرایدهم باشند تمام تحت مراقبت (ساتور) بود غروب آفتاب سروسدای انقلاب از طرف شبده میشد زیرا تمام چهار راه ها را قوای نظامی اشغال نموده و معیرها را بستند پیاده روها را دستجات پلیس سواره صاحب گرد اشخاصیکه در خیابانها مانده بودند دیگر نمیتوانستند بیترالایشان بروند

درشکة انومبیل سواره پیاده دوخیرخه عرابه همه در حال قرار و نمیتوانستند بیکه نام طرف بروند پشت سر آنها صدای تلک تلک بلند شد سپس قوای نظامی خورد خورد جلو آمده و مردم را میوانند

در مقابل عمارت ملکه چندین دسته نمایش دهنگان (بلیوق سرخ) جمع شده بودند قوای پلیس میخواست آنها را متفرق کند ممکن نمیشد و هر لحظه صدای مردم بلایک از میان آنها بر میخواست

بهملجات بیکار مطابق معمول مزد داده میشد ولی اشکال برای تهیه نان بود که بهیچ وجه بدست نمی آمد مگر اتفاق مباحثه که یکنفر عمله بعد از چهار ساعت معطلی در دکان نانواقی وقتی که قوه او میرسد شاطر اعلام میداشت که متاسفانه خمیر تمام شده است ؟ جمعه ۲۴ فوریه شب آن روز از طرف حکومت اعلانی در بطور آزاد منتشر شد که مسئله نان بجای خوبی رسیده آرد بقدر کفایت وارد و هر کسی هر قدر لازم داشته باشد بی معطلی بدست خواهد آورد حرکات اعتصابی شروع و روزها مردم ازدحام میکردند با وجودیکه نمایش هم داده نمیشد دستجات قزاق سواره جمعیت هارا متفرق نموده و مردم را برادرقتن رادار میکردند بعضی اوقات هم ناچار میبندند که برای تفرقه اجتماعات در جاده های پیاده رو یا اسب حرکت کنند ولی حتی المقدور پاتزاک و بیکمی سده وارد نمیاوردند این عده قزاق از دستجات جدید الورود بودند که بواسطه عدم قدرت پلیس شهر مجبوراً دعوت شده و تمام عیارت از جوانان چهارده پانزده ساله بودند باوجودیکه هنوز خیری نبود ولی اضطراب عالمه نمی حس میشد دکالین و مغازهها نصف در بازار نخته شده بودند

وکلائی دست چپ وقایع را آنطوری که بود تشریح نموده و صریحا می گفتند که برای رسیدن زغال و مواد خام و آذوقه بشهر لااقل دو هفته باید صبر کرد در این مدت کار بکجا خواهد کشید ؟ کسی ازحالا نمیتواند

غلیان عامه خورد خوره رسمیت پیدا کرد دستجات کارگران بی کار و بی نان بلیوق های قرمز حرکت کردند پلیس بقدری بی کفایتی قشان میداد مثل اینکه برای آزاره گذاردن این قبیل اجتماعات دستور مخصوصی داشتند زیرا هیچ قدمی برای متفرق کردن مردم هر نمیداشتند نزدیک غروب بیکدسته ژاندارها برای کمک پلیس رسد و مقدما تمام پلهای مهم شهر را تصرف نمودند بعد قزاق های جوان نیز افزوده شد و این قوا مردم را بطوری راه انداخته بودند که هیچکس نمی توانست لااقل بخانه خودش مراجعت نماید درشکة ها همه تعطیل و آوتها همه خوابیدند منازره های بزرگ تمام بسته شدند روزنامهجات روزانه مطابق دستور دولت ابداً یک کلمه هم اظهار نمی کردند ولی یک ایلاقیه که درشب منتشر شد متعبر بود که بر حسب تقاضای رئیس مجلس شورای ملی هیئت دولت کمسیون مخصوصی تشکیل داده گیامشاوره بعضی ازوکلا یوقبیت حاضره شهر توجهی نموده و این غائله را ساکت نمایند

سوی اصفهان

تالیف بهرلوی ترجمه: فتح الله تفتی

مقدمه

درختهای لغت و عود را مشاهده خواهیم نمود

کی است که با من بخواند با من باصفهان آمده در فصل بهار حضارت چمن طراوت سمن سر سبزی اشجار ناشای باغ و جلوه راغ را مشاهده نماید

کی است که عزم متین و جزم محکمی داشته باشد بهار به بهاروی من راه رفته و قدم بقدم منزل به منزل همانطوری که در قرون وسطی راه می رفتند با هم این راه را طی کنیم

کی است که مایل است با من به اصفهان آمده بوی گل و عطر سنبل را دیدم مخاطرات مسافرتی را که با اسب پیموده میشود قیدل نماید و عبور از جاده های تک و باریکی که یزجت حیوان خود را می تواند در ببرد و در هر لحظه بزمن می خورد و افزش می نماید بن در دهد

کی است که راضی است در کاروان سرا هائی که مردم رو بهم روی هم ریخته و از صدای وز وز پشه ها و مگس ها راحت و آرام ندارند مسافرت نماید و در مکانهای فوق بخواند

کی است که با من بیاید در قطعه زمین وسیع اصفهان در وسط صحرا ها و مزارع که از گوناگون و خشخاش مستور باغهای مصفاش که از گلهای سرخ و عطر ریاحین و از یار شادونه ها و اشجار مختلفه زمین و متحون گردیده اند شهر کهنه و قدیمی خرابه اش را با تنیده های آبی و تمام مناره ها و گل دسته ها که دارای یک رنگ مینائی هستند ناپذیری هستند مشاهده و معاينه نماید

کی است که با من بطرف اصفهان بیاید و در زیر آسمان صاف شفاف بی ابر ماه حاضر شود که با قدم های تند و گامهای سریعی در آفتاب سوزان در نسیم سرد و سخت در اطراف این فلانهای اسپانی که مرتفع ترین و وسیع ترین نقاط عالم محسوب می شوند و در قدیم مهد تمدن و انبساط بوده و امروز بکلی خراب و بایر مانده اند : راه روی نماید

ما از جلوی قصور عالی که با سنگ های چشماق ساخته شده ودانه های آن ها خبای محکم از وظریف تر و پر دوام تراست که مره راست عبور خواهیم نمود

در اینجا خداوند عالم و صاحبان معبد و توکت قدیم سکونت داشتند و در نزد یکی اینجا مجسمه های خیلی بزرگ و عظیم الجثه که از دو هزار سال قبیل دارای بالهای بزرگ و صورت گاو و شکل انسان و در روی سر آنها افسرهای مخصوص سلاطین ایران بوده اند نصب شده اند ما از آنجا عبور خواهیم کرد اما فقط سکوت محض و خاموشی صرف مزارع جو و گندم و

در راه سه شنبه ۱۷ آوریل در اولین موقع طلوع آفتاب عالم ناب بار و بندهای ما که بوش ایلیانی و چادر نشینی بسته شده و بواسطه مه شدیدی که آسمان را فرا گرفته مرطوب شده بود بانظم و بی ترتیبی کاملی در روی زمین سترده شد در آسمان تاریک بادهای مختلف می وزید دوری زیاد و بعد مسافت دستهای شنی معلوم و به طور وضوح و سرحات از قسمت افق مجزی می شدند ولی صحرا و دشت با اندازه آسمان مه آلود و تیره نبود تا اندازه در سطح آن نور وجود داشت یک کشتی بادبانی که از بندر پوشهر محمولات و بار بند های ما را آورده بود ما را در ساحل کرم و سوزان خلیج ایران جای که پر است از تپه های مزمنه پیاده گرد ولی اشخاصی که در آب و هواهای مملکت ما زیست و سکونت اختیار کرده اند یزجت می توانستند در آنجا زندگی کنند اینجا نقطه است که تمام کاروانها و مسافری که یابستی بطرف شیراز و خلیج مری عزیمت شده اند مجتمع میگردد بند تقریبا سه هفته بود که از هندوستان بایک کشتی که ما را با حال بطور آرامی در کنار ساحل دوروی آبهای سنگین و کرم آورده بود حرکت کرده بودیم ولی از ابتدای چندین روز ما در افق شمال در جلوی چشم خودمان بویک قسم دیوار فوق العاده مرتفعی را می دیدیم که بالوان مختلفه در آمده گاهی بزرگ آبی گاه بزرگ قرمز جلوه گر می شد ولی استب کاملا دردم نظر ما جسم واضح بنظر می آمد و آن عبارت بود از حاشیه یاریک ایران که مقصود و مرام مسافرت ما بوده و در روی جلگه عالم معظم و مرتفع آبهائی بنفصله دو الی سه هزار ذرع عرض مدقون و مشیط گردیده بود

بقیه دارد

اظهار

(علمای ریاضی و محصلین دیپلمه متوسطه را)
 هیئت جدید ایران اولین بزرگ نامه یلغ ایران با شفق کلامی ابرام سماوی و خانواده های شمس با خط خوش نسخ با کاغذ عالی با اسلوب مطبوع موسوم به آفتاب (آفرینش) جدیداً بطبع رسیده .
 (طالبین و مخبران ناصریه رو بروی در باندرین مغازه شریف رجوع فرمایند)
 (ح - بهشتی)

اومالتین OVOMALTINE

و مادرانیکه علاقه مند بولاد خود هستند

اومالتین شیر زنان شیرده را زیاد میکند و در شیر اثرانی می بخشد که اطفال را قوی و قوی مینماید زن هائی که فوق العاده علاقه مند باطفال خود هستند و شیر آن ها کم است مجبورا بچه خود را سینه دایه مینمایند که شاید مبتلا بچندین امراض است و برای آن خالی از خطر نخواهد بود آبهتر نیست که اکثراً بخوردن اومالتین نموده بچه خود را در آغوش گرفته از شیر بساک مقوی خود اورا تغذیه نماید ؟

پس اومالتین دواخانه پاستور را استعمال نمایند تا شیر شما زیاد شده بچه خود را همیشه سالم و پویانید - آفتابیکه زحمات دماغی و روحی دارنده اشخاصی که لاغر و ضعیف میباشد جوانانیکه مبتلا به کم خونی شده اند پیرانیکه شکسته و ناتوان گشته اند مخصوصاً آنهایکه مبتلا به سوء هضم و آرزوی هر کوه خوراک را می کنند اگر سلاطینی مزاج را طالبیند اومالتین استعمال نمایند محل فروش دواخانه پاستور -



حب قوک تریاک

اینجا دیگر هیچ لزومی ندارد که ما از جنبه های خود ابریف کنیم رجز خوانی هم نمی کنیم -

حب های ماضی حرفهای ما را ثابت می کنند همین قدر اگر این خدمات را مادور خاک خارجه انجام میدادیم بیک قدردانی های مهمی ناگه می شدیم در اینجا ما خوشوقتیم که عده ای از نوع بشر را از این مرض مزمن و موزی نجات داده و آنها را از خمودگی دائمی خلاص کنیم خوب است آفتابان معتادین بتریاک که میخواهند کریبان خود را از دست این سم قاتل خلاص کنند در مدت خیلی قبلی با استعمال این حب نجات خواهند یافت

دواخانه پاستور
 نمره اعلان ۳۱۹
 ۳۲ - ۶۰

مست اوبی غزل

ما خیل نمی دست جگر کوشه یختیم سر کرم نه با نا ج و نه با بند یختیم آزادی ایران که درختی است کهن سال ما شاخه نو رسته آن کهنه درختیم در صلح و سنا کرم تر از موم ملایم با جنک و جفا سرد تر از آهن سختیم پوشید جهان خدمت زیبای تمدن ما لغت و فرو مایه از آتیم که لغتیم تا جامه ناپاک تی آغشته یخون نیست ما پیش جهان تی یقن آورده ز یختیم

قرنی

طبع و نشر سنور
 شماره ۴۹۴

نماینده هندوستان (ساپرو) اضافه نمود که در هندوستان جدیداً احساساتی نوبندیده که بر طبق آن هندوها حاضر نمیشوند برای سایر قطعات ممالک امپراطوری جانشینای کنند

— بهمنده من صلح کامل برقرار نخواهد شد مگر اینکه (اسموت) منافع ممالک بارها در حوزه نمایندگی خود ملحوظ دارد - اگر چه من نمی خواهم در کار های ممالک دیگر دخالت نمایم ولی ناچارم این مطلب را بگویم که مملکت امپراطوری منحصر بسهندوستان نمی باشد

زیرا افراد ممالک امپراطوری از نژاد های مختلف تشکیل شده است که نگاه داری آنها فقط بصرف زور ممکن نخواهد شد

باید نفوذ کامل خود را با رعایت مساوات و عدالت در قطعات ممالک امپراطوری و هندوستان توسعه داد و همواره در منافع و مضار سهم و شریک باشیم

بحران وضعیت لندن - راپرت واصله از برلن حاکی است که در نتیجه تقاضای هیئت متمدن حزب سوسیالیست از (استراسمان) اوضاع خیلی نامساعد بنظر میاید جنازه بناولا در پنجم نوامبر در کلبه های (دست نستر) دفن خواهد شد اعلیحضرت و ملکه بدختر بناولا نسبت گفته و اظهار داشته اند که رئیس الوزرای سابق یک ناصح عاقل و کار شایسته بود و ضمناً صدیق می شنید که وطن پرستی و قلب پاک که اطمینان او و احترام افراد انگلیسی را جلب کرده بود در مشار الیه وجود داشت راپرت چهارم لندن - در راپرت سابقه سابقه واضح بهشتی سازی در سال ۱۹۲۲ الی ۱۹۲۳ مذکور شده است که تعداد کشتی هائی که از فرار (ن) باب افتاده ۱۶ میلیون زیاد تر از کشتی هائی است که در ژون ۱۹۱۴ باب انداخته بودند لکن این مقدار کشتی مشتمل بر کشتی هائی میباشد که آبر هم تجارت بحال سابق عود کند نمی توان از آنها استفاده نمود

نکته قابل توجه اینست که در ظرف ۱۲ ماه که منتهی به ۳۰ ژوئن میشد ۳۰۰ کشتی بظرفیت ۶۲۵ هزار تن شکسته و منالشی شده و از نقطه نظر اقتصادی قابل استعمال نمیشدند

هملاوه صاحبان کشتی هنوز نمی دانند که این مقدار کشتی مورد احتیاج خواهد بود که ایشان دستور ساختن کشتی های جدید بدهند یا نه در صورتی که موضوع شکست کار موجب دلزدگی صاحبان کشتی هم شده است

میزان مبادلات نرخ لیره بناریخ ۳ نوامبر

پاریس	۷۷۰۰
ایتالیا	خیر نرسیده
برلن	۹۰۰۰۰ میلیون
نیویورک	۶۶۵